

[تقریب محقق عراقی از بیان کفایه: شبهه مصداقیه نقض یقین به یقین 2](#_Toc502197960)

[اشکال محقق عراقی به این تقریب: عدم تعلق علم اجمالی به طرف تفصیلی 3](#_Toc502197961)

**موضوع**: شک در تقدم و تأخر /تنبیه یازدهم /استصحاب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در قسم چهارمِ حادثین مجهول التاریخ بود که اثر برای عدم حادثی نسبت به حادث دیگر بود.

در مورد جریان استصحاب در صورت چهارم حادثان مجهول التاریخ، برخی مانند مرحوم آخوند قائل به عدم جریان و برخی مثل مرحوم شیخ و مرحوم نائینی قائل به جریان شده اند. (به معنای صرف اقتضاء جریان)

برای عدم جریان این استصحاب دو وجه بیان شد که بیان اول از مرحوم آخوند بر طبق تقریب محقق نائینی و وجه دوم هم مختار محقق عراقی بود.

تقریب مرحوم نائینی از مطلب کفایه این بود که استصحاب در مورد بحث، از مواردِ استصحاب فرد مردّد است. زمان ملاقات مردد بین ساعت دوم و سوم است. البته ایشان اسمی از استصحاب فرد مردّد نیاورده اند، ولی مراد از بیان تردید ملاقات بین زمان دوم و سوم، همان اشکال استصحاب فرد مردد است.

در مورد اشکال فرد مردد باید گفت که تردید در مورد بحث، اخلالی به جریان استصحاب وارد نمی کند. برای بیان این که چرا این تردید، اشکالی به جریان استصحاب عدم کریت وارد نمی کند، می بایست ابتداء، وجه عدم جریان استصحاب مردد را بیان کرد تا معلوم شود که این وجه در استصحاب مورد بحث نمی آید.

برای عدم جریان استصحاب در فرد مردد دو تقریب بیان شده است:

الف. تقریبی که ما سابقا بیان کردیم و محصلش این بود که به خاطر عدم شک در بقاءِ عنوان متیقن، استصحاب جاری نیست. برای مثال در مورد شبهه عبائیه، بعد از غسل احد الطرفین یقین ما به نجاست در احد اطراف عبا می باشد، لکن شک ما در نجاست یک طرف معین است که همان طرف غیر مغسول است. پس یقین به نجاست فرد مردد تعلق گرفته است، ولی شک در نجاست فرد معین است.

ب. مرحوم اصفهانی مشکل استصحاب در فرد مردد را فقدان یقین نسبت به موضوع اثر شرعی دانسته اند. آن چه که موضوع اثر است، طرف معین است، لکن علم و یقین به عنوان مردد تعلق گرفته است.

هر دو وجه بیان شده در مورد افراد عرضی است، مثل نجاست چپ و راست. در این گونه موارد می توان منکر وجود یقین سابق و یا شک لاحق شد، لکن در موارد شک به لحاظ عمود زمان و تقدم و تأخر، هر دو رکنِ یقین به حدوث و شک در بقاء، وجود دارد. برای مثال در مورد استصحاب عدم کریت، می توان گفت که شک در بقاءِ عدم کریتِ همان آبی وجود دارد که قبلا کرّ نبوده است و شک در زمان ملاقات، ضرری به این وحدت نمی زند.

تردید به لحاظ مکان واقعی، موجب تعدد فرد می باشد، ولی تردید به لحاظ صرف زمان واقعی، سبب تعدد فرد نمی شود. مشکل فرد مردد در جایی است که تعدد فرد وجود دارد. در مورد تردید به لحاظ زمان، تعدد فرد وجود ندارد و شک صرفا در ناحیه زمان است و استصحاب هم آمده است تا این شک را مرتفع کند. در مورد شبهه عبائیه نمی توان به خصوص یک فرد اشاره کرد و گفت که یقین سابق به نجاستش وجود داشته است و نیز در مورد فرد مردد هم نمی توان گفت که شک در بقاء نجاستش وجود دارد.

پس در موارد تردید زمانی، وحدت متیقن و مشکوک، محفوظ است. شک در کریت همان آبی داریم که قبلا قلیل بوده است و تردید زمان ملاقات، موجب تعدد وجود خارجی آب نمی شود.

تقریب محقق عراقی از بیان کفایه: شبهه مصداقیه نقض یقین به یقین

مرحوم محقق عراقی مطلب کفایه را این گونه تقریب کرده اند که استصحاب مورد بحث، از موارد شبهه مصداقیه نقض یقین به یقین است. باید به این نکته توجه داشت که این تقریب ایشان غیر از تقریبی است که سابقا به عنوان مختار خودشان در عدم جریان استصحاب در مجهول التاریخ بیان شد.

آن وجه تقریب عدم جریان استصحاب که مختار ایشان بود این بود که ساعت ملاقات، مردد بین ساعت دوم و سوم است و در صورتی که ملاقات در ساعت سوم بوده باشد، استصحاب عدم کریت تا زمان ملاقات، استصحاب تا زمانی است که علم به نقض داریم.

اما تقریبی که ایشان به عنوان کلام صاحب کفایه بیان می کنند این است که ملاقات احتمال دارد که در ساعت دوم یا سوم باشد. اگر در ساعت سوم باشد، پس کریت در ساعت دوم بوده است و عدم کریت در ساعت اول به وسیله این کریت در ساعت دوم، نقض شده است و لذا استصحاب عدم کریت صحیح نیست.

در این جا می گوید اگر ملاقات ساعت سه باشد، قطعا عدم کریت به کریت ساعت دو نقض شده است. از آن جا که شاید ساعت ملاقات ساعت سه باشد پس ساعت دو، شبهه مصداقیه نقض عدم کریت به کریت است. ساعت دو، شبهه مصداقیه علم به کریت است که اگر علم به کریت باشد دیگر عدم جریان استصحاب، نقضِ یقین به شک نیست، بلکه اصلا علم به نقض یقین داریم. نتیجه این که یقین نداریم که شک متصل به یقین داریم.

اشکال محقق عراقی به این تقریب: عدم تعلق علم اجمالی به طرف تفصیلی

مرحوم آقا ضیاء به این بیان اشکال می کنند که علم به نقض درست نیست؛ چرا که علم اجمالی به فرد خاص خارجی، تعلق نمی گیرد. توضیح این که متعلق علم اجمالی غیر از متعلق علم تفصیلی است. متعلق علم اجمالی امری است که بر اطراف تفصیلی خارجی تطبیق نمی شود.

معلوم بالتفصیل و معلوم بالاجمال، به مانند سفیدی و سیاهی، با هم تضاد دارند و محال است که بر هم منطبق شوند. متعلق علم اجمالی یک جامع یا مفهوم است که قابل انطباق بر افراد نیست.

با توجه به این مطلب در مورد استصحاب عدم کریت، صرف علم اجمالی به تحقق کریت در ساعت دو یا سه، باعث نمی شود که در صورت تحقق کریت در ساعت دوم، بگوییم که ما به این کریت، علم داشته ایم. اگر کریت در ساعت دوم بوده باشد، نقض عدم کریت به کریت واقعیه محقق شده است، نه کریت معلومه. از طرف دیگر، مانع جریان استصحاب، نقضی است که معلوم باشد، نه این که صرفا واقعی باشد.

اگر ملاک در انتقاض را انتقاض واقعی بدانیم، در سایر موارد حادثین مجهول التاریخ که شک در سبق و لحوق داریم، با مشکل مواجه خواهیم شد. برای مثال اگر علم داشته باشیم که این حادث یا قبل از زوال بوده است و یا بعد از آن، می بایست بگوییم درصورتی که حادث قبل از زوال بوده باشد، مورد علم ما بوده است و نقض یقین به یقین رخ داده است و لذا نباید استصحاب جاری شود، در حالی که این استصحاب را همه جاری می­دانند.

حتی در تمام موارد علم اجمالی این مشکل پدید می آید. مثلا در جایی که می دانیم یکی از این دو اناءِ نجس، تطهیر شده است، طبق نظر ما که نقض معلوم، ملاک است استصحاب در هر دو طرف، مقتضی دارد، ولی طبق ملاک بودنِ نقض واقعی، به خاطر احتمال انطباق علم اجمالی بر هر طرف، احتمال نقض در هر دو طرف می­رود و لذا استصحاب جاری نیست، در حالی که شما قائل به این نیستید.

پس کلام درست این است که بگوییم به خاطر عدم انطباق معلوم بالاجمال بر طرفین، در این گونه موارد، احتمال نقض وجود ندارد و استصحاب جاری است.

مرحوم محقق عراقی در ادامه فرموده اند:

ممکن است برای انطباق معلوم بالاجمال بر معلوم بالتفصیل گفته شود که متعلق علم اجمالی از ذهن به خارج سرایت می کند. طرف اضافه علم، صورت ذهنیه نیست، بلکه وجودات خارجیه است. پس در موارد حادثین مجهول التاریخ، احتمال انتقاض وجود دارد و شبهه مصداقیه نقض یقین به یقین است.

لکن این توهم درست نیست. چرا که اولا از آن جا که علم که یک عرض است، باید به چیزی متناسب با خودش تعلق گیرد و لذا متعلق علم اجمالی همان صورت ذهنیه است، نه وجود خارجی.

ثانیا بر فرض پذیرش تعلق علم به افراد خارجی، وجود علم اجمالی مانع تحقق و فعلیت شک نیست. اگر چه ممکن است کریت در ساعت دوم محقق شده باشد، لکن این که گفته شود: (در ساعت دوم، شک در تحقق کریت داریم.) صادق است.

این تقریب سوم از جریان استصحاب در مجهول التاریخین بود که به عنوان تقریب کلام مرحوم آخوند بیان شده است، اگر چه با ظاهر کفایه سازگار نیست؛ چرا که در کفایه بحث (عدم احراز اتصال زمان یقین و شک) مطرح شده است.